

بسمه تعالی

گزارش برگزاری کرسی علمی - ترویجی

با عنوان:

بررسی و نقد دیدگاه آبراهامیان بر نهضت ملی شدن صنعت نفت در کتاب ایران بین دو انقلاب

ارائه دهنده:

دکتر سجاد دادفر عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه رازی

ناقد:

دکتر روح اله بهرامی عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه رازی

مدیر جلسه:

دکتر مهدی عزتی عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه رازی

جلسه کرسی علمی ترویجی با عنوان «بررسی و نقد دیدگاه آبراهامیان بر نهضت ملی شدن صنعت نفت در کتاب ایران بین دو انقلاب» در راس ساعت ۱۰ صبح مورخ ۲۳ اسفند ۱۴۰۰ به صورت وبیناری با حضور بیش از صد نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه رازی آغاز شد. ارائه دهنده کرسی دکتر سجاد دادفر عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه رازی، ناقد اول دکتر روح اله بهرامی عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه رازی و ناقد دوم دکتر طهماسب علیپوریانی، عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی به دلیل درگذشت یکی از بستگانشان نتوانستند در این نشست شرکت کنند و مدیریت جلسه نیز با دکتر مهدی عزتی عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه رازی بود.

جلسه با تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم و با استعانت از خداوند متعال آغاز شد. سپس مدیر جلسه دکتر مهدی عزتی ضمن عرض خوش آمدگویی برنامه کرسی علمی - ترویجی را اعلام کرده و مختصری در باب اهمیت موضوع و مناسبت آن با هفتادمین سالگرد جنبش ملی شدن نفت صحبت کردند.

پس از آن ارائه دهنده کرسی علمی - ترویجی دکتر دادفر عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه رازی در مدت ۴۰ دقیقه به طرح مباحث خود پرداختند. ایشان ابتدا شرح کوتاهی از زندگی نامه نویسنده کتاب «ایران بین دو انقلاب» را بیان کرد. به گفته ایشان آبراهامیان را می توان در زمره مورخان جامعه شناس تاریخی دانست و لذا کتاب ایشان اثری است که جزو منابع جامعه شناسی تاریخی قرار می گیرد. توجه ایشان به جزئیات طبقات فرودست جامعه ایران و طبقات اجتماعی دلیل آن است. به نظر ایشان، آبراهامیان یک مورخ وابسته به گرایش سنت تاریخ نگاری چپ در ایران بوده که به نیروی های اجتماعی و طبقات فرودست جامعه عنایت ویژه ای دارد. این کتاب تلاش دارد که نشان دهد که تحولات دولت متأثر از تحولات اجتماعی است و سازمان های سیاسی و نظام قدرت تابعی است از جمع نیروهای اجتماعی در پایین و تعیین کننده ی رخدادها و تحولات سیاسی است که در لایه های پایین اجتماعی اتفاق افتاده است.

به نظر دکتر دادفر، دیدگاه‌های آبراهامیان در کتاب ایران بین دو انقلاب متأثر از نظریات مورخ انگلیسی و نئومارکسیستی ادوارد تامسون می‌باشد و این را خود آبراهامیان در کتابش اذعان کرده است. بنابراین در این کتاب از یک سو گروه‌های قومی وارد تحلیل‌های تاریخی شده و از طرف دیگر، اصطکاک اجتماعی را در هر دوره ای متغییر می‌داند. به این ترتیب آبراهامیان با الگوپذیری از تامسون، مفهوم طبقاتی مارکسیستی را توسعه می‌دهد و با نگاهی تاریخی حوادث اجتماعی مانند: انقلاب مشروطه، جنبش ملی شدن و انقلاب ایران را توضیح می‌دهد. هدف اصلی کتاب تحلیل شالوده‌های اجتماعی سیاست در ایران از طریق بررسی کشمکش‌های محوری طبقاتی و قومی در یکصد سال اخیر بوده است.

ایشان سپس به بررسی دیدگاه آبراهامیان در ارتباط با نهضت ملی شدن صنعت نفت پرداختند. به نظر ایشان بررسی مسئله نفت در این کتاب بسیار محدود و ناچیز است. در این بحث نویسنده کتاب به بررسی چگونگی تشکیل مجلس شانزدهم، نخست‌وزیری دکتر مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پرداخته است. در مباحث مقدماتی، آبراهامیان به اصلاح قانون اساسی توسط شاه برای افزایش قدرت توجه دارد و شاه علی‌رغم این موضوع از ضعف‌های بسیاری برخوردار بود که به تدریج موجب کاهش محبوبیت وی شده است.

آبراهامیان سه نکته را در این درباره (کاهش محبوبیت و قدرت شاه) بیشتر دخیل دانسته است، مقابله با انگلستان در صنعت نفت، ادامه سیاست‌های پدرش رضاشاه و تکیه بیش از حد شاه به آمریکا به واسطه استفاده از مشاوران نظامی، دریافت سخت افزار و کمک های مالی. چگونگی تشکیل جبهه ملی در این سال‌ها مبحث دیگری است که در این بخش از کتاب مطرح می‌شود و عناصر و هسته‌های اولیه این جبهه را برمی‌شمارد. آبراهامیان معتقد است که تشکیل جبهه ملی نه به خاطر مسائل شرکت نفت ایران و انگلیس بلکه به خاطر طرح مسائل داخلی از جمله انتخابات آزاد و دستیابی به برخی آزادی‌های مدنی مثل آزادی بیان در مطبوعات بوده است. سپس آبراهامیان به احزاب و گروه‌های تشکیل دهنده جبهه ملی پرداخته و معتقد است این جبهه نماینده و نیروی اصلی و مقتدری در جامعه ایران یعنی در میان طبقه متوسط سنتی شامل؛ بازاریان، تجار و روحانیون و طبقه متوسط جدید شامل؛ روشنفکران، تحصیل کردگان، دانشگاهیان و کارمندان بودند. به نظر آبراهامیان این دو گروه باهم دارای تفاوت‌های اساسی عقیدتی و نظری بودند، ولی آنچه این دو گروه با علایق متفاوت را دور هم جمع کرده بود، مبارزه با دربار و ارتش، مبارزه با شرکت نفت انگلیس و شخصیت پر جذبه دکتر مصدق است. سپس نویسنده کتاب به شخصیت مصدق پرداخته وی را چهره فساد ناپذیر در محیط فساد آلود دربار شاه می‌داند. براین اساس جبهه ملی، در سال ۱۳۲۹ به رهبری مصدق به دنبال مذاکره پنهانی حکومت با شرکت نفت انگلیسی برای تجدید نظر درباره قرارداد ۱۳۱۲ و در مجلس شورای ملی توجه خود را از امور داخلی به امور خارجی تغییر داده و پیشنهادهای پنهانی فروش نفت را فروش رایگان نفت تلقی کرده و با هم‌صدایی حزب توده که در این زمان فعالیت پنهانی داشت خواستار ملی شدن صنعت نفت می‌شود. سپس به تلاش شاه برای کنترل گسترش فعالیت‌های جبهه ملی از طریق انتصاب حسین رزم آرا که فردی نظامی بود، پرداخته است.

رزم آرا نیز به شیوه شکاف میان حزب توده و روشنفکران جبهه ملی در صدد ممانعت از طرح ملی شدن نفت بود. در اینجا، آبراهامیان این موضوع را برجسته می‌کند و می‌خواهد اهمیت حزب توده در سیاست رزم آرا نشان داده شود.

بدین ترتیب آبراهامیان معتقد است که چون حزب توده از نفوذ بالایی در میان جامعه ایران برخوردار بود، رزم آرا در صدد بود که مانع همگرایی و اتحاد جبهه ملی شود.

آبراهامیان سپس به نقش نیروهای مذهبی و فداییان اسلام در کمک به مصدق برای ملی شدن نفت پرداخته و فداییان اسلام عامل ترور رزم آرا می شوند. پس از این ترور، حسین علاء به نخست‌وزیری رسید و او انتخاب امیر علایی از جبهه ملی در کابینه خودش و نیز اجازه بازگشت آیت الله کاشانی از تبعید زمینه‌های تصویب ملی شدن صنعت نفت را فراهم کرد. در این بحث، آبراهامیان دوباره با تأکید بر فعالیت‌های حزب توده، به خصوص اشاره به اعتصابات کارگری گسترده حزب که موجب اعلام حکومت نظامی شده مدعی نقش پررنگ این حزب در فراهم آوردن زمینه‌های ملی شدن نفت می شود. سپس به نخست‌وزیری مصدق و چگونگی اجرای آن و حوادث منجر به کودتای ۲۸ مرداد پرداخته است.

پس از آنکه ارائه دهنده به توصیف دیدگاه آبراهامیان درباره موضوع ملی شدن نفت پرداخت، به ارائه نقدها و دیدگاه‌های خویش بر موضوع مطروحه پرداخت. دکتر دادفر ضمن اشاره به رواج، ترویج و بسط کتاب آبراهامیان در میان تحصیلکردگان علوم تاریخی، سیاسی و جامعه‌شناسی تأکید کردند که تا اکنون نقدها و مباحث زیادی پیرامون این اثر بیان شده است اما به موضوع نقد دیدگاه آبراهامیان در بحث ملی شدن نفت پرداخته نشده است. ایشان به نقد کتاب ایران بین دو انقلاب توسط سیدجوادی طباطبایی پرداخت و این نقد را یکی از گزنده‌ترین نقدها به کتاب آبراهامیان تلقی کردند. بنابر نظر طباطبایی، آبراهامیان نویسنده‌ای متوسط و کتابش هم کتابی متوسط بوده که در ستایش حزب توده نوشته شد و می‌تواند انسجام و وحدت ملی را خدشه دار کند. طباطبایی به شدت از رواج و تدریس این کتاب در مجامع دانشگاهی ناراحت است و دلیل چنین وضعی را فقر تولید محتوا در زمینه تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی می‌داند. ایشان، آبراهامیان را وابسته به سنت تاریخ نگاری ایدئولوژیک می‌داند.

سپس دکتر دادفر به بیان مهم‌ترین نقدهای خود درباره ملی شدن نفت در کتاب ایران بین دو انقلاب پرداخته و مهم‌ترین نقدهایی که شامل موارد زیر است را مطرح کردند:

۱. نگرش بسیار کلی و سطحی نویسنده کتاب بر موضوع بسیار با اهمیت نهضت ملی شدن نفت. بنا بر نظر ایشان آبراهامیان بسیار کم رنگ به زمینه‌های اجتماعی این واقعه پرداخته است. در واقع آبراهامیان، نقش نیروهای اجتماعی، کنشگران اجتماعی مانند: نیروهای مذهبی، نیروها و روابط خارجی و دخالت آن‌ها در تحولات اجتماعی ایران از جمله همین ملی شدن صنعت نفت و حتی نقش ملیون را بسیار کم رنگ و نادیده گرفته است.

۲. عدم توجه آبراهامیان به نقش نیروهای خارجی در قبل و پس از نهضت ملی شدن نفت. بنابر نظر دکتر دادفر این درحالی است که جریان صنعت نفت متأثر از عملکرد و نقش سه ضلع دربار، دولت و انگلستان است و دولت انگلستان پس از قرارداد نفت و تسلط به این منبع ثروت در ایران به طرق مختلف سعی در نفوذ به نیروهای اجتماعی داشته و پس از ملی شدن صنعت نفت هم تمام تلاش خود را برای شکست این جریان بکار گرفتند که شامل: طرح شکایت در مجامع بین‌المللی، محاصره اقتصادی شدید ایران و جلوگیری از صدور نفت ایران، همسو کردن آمریکا با خود، نفوذ در میان عشایر، ایجاد قحطی مصنوعی و ... بود.

۳. پرداختن به نهضت ملی شدن صنعت نفت در سیر حوادث تحولات سیاسی دوره معاصر. در واقع به نظر ایشان، آبراهامیان به این رخداد بزرگ که نقطه عطفی در تحولات اجتماعی، مذهبی و سیاست بوده به صورت گذار و خیلی سطحی عبور کرده و خیلی کم به جنبه‌های اجتماعی و مذهبی این واقعه هم که دارای پیامدهای بزرگ داخلی و خارجی بود، پرداخته است. به زعم ایشان این امر شاید به دلیل پایبندی آبراهامیان به سنت تاریخ نگاری نئومارکسیستی وی است که فقط از زاویه دید خودش به این ماجرا نگرسته است و سهواً نخواست به تحلیل اجتماعی و مذهبی این رویداد بپردازد.

۴. نکته پایانی در مورد دیدگاه آبراهامیان، ارزیابی و عملکرد دکتر مصدق از سوی ایشان است از آنجا که آراء، نظرات و رویکردهای متفاوت و گوناگونی درباره این شخصیت سیاسی و اجتماعی ایران دوره معاصر وجود دارد، ایشان نیز در لابه لای مباحث مربوط به نهضت ملی شدن صنعت نفت درباره دکتر مصدق اظهار نظر کرده است. آبراهامیان به طور کلی تصویر منفی، پوپولیستی و عوامگرا از شخصیت دکتر مصدق ارائه داده است. بنابراین آبراهامیان بیشتر جنبه‌های منفی دکتر مصدق را برجسته می‌کند و به همین خاطر می‌توان گفت که آبراهامیان به مسئله نفت و ملی شدن آن هم به دیده اغماض نگاه کرده است.

ایشان در پایان سخنانش معتقد است که آبراهامیان اصولاً در موضوع ملی شدن صنعت نفت اعتقادی به نهضت و جنبش بودن آن ندارد و لذا وقایع این رخداد را در مسیر سیر حوادث سیاسی و مذاکرات و مجادلات مجلس قلمداد کرده است.

در ادامه جلسه کرسی علمی - ترویجی دکتر بهرامی عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه رازی به عنوان ناقد با ارائه دیدگاه‌ها و نکته نظرات خود در ارتباط با مباحث مطرح شده توسط ارائه دهنده کرسی پرداختند. ایشان ضمن تشکر و قدردانی از طرح موضوع مهم ملی شدن صنعت نفت توسط دکتر دادفر به تشریح نظرات و موارد نقد پرداختند.

دکتر بهرامی، مسئله نفت را مسئله‌ای ریشه دار و پر اهمیت دانست که جامعه ایران را طی یکصدسال اخیر متأثر کرد و از زمان قرارداد داری این مسئله دامن‌گیر تحولات سیاسی اجتماعی جامعه معاصر ایران بوده است. بدین خاطر انتخاب چنین موضوع و مسئله‌ای در جلسه کرسی را بسیار مهم و بجا قلمداد کردند.

ایشان سخنان ارائه دهنده را بیشتر توصیف و مقدمات بحث دانسته و اعتقاد داشتند که خیلی به مبانی اجتماعی و بخصوص اهمیت نیروهای اجتماعی به عنوان مسئله‌ای که توسط نویسنده کتاب مورد غفلت قرار گرفته، نپرداخته شد. به نظر ایشان چند نکته اساسی علاوه بر آنچه که در بحث انتقادات دکتر دادفر بر موضوع ملی شدن صنعت نفت وجود دارد که می‌توانست بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

- نکته اول، اینکه چرا جامعه ایران در آن مقطع به مسئله نفت واکنش نشان داده و چرا همه نیروهای اجتماعی متعارض و متضاد بسیار در این مسئله هم رأی و همدل شدند؟ به گفته ایشان خیلی از تحلیل‌ها درباره این موضوع در بستر جریان‌های سیاسی صورت گرفته است و به همین خاطر حق مطلب در این باره ادا نشده است. ایشان چنین وضعیتی را موجب به وجود آمدن تحلیل‌های تقلیل‌گرایانه توسط گروه‌ها و جریان‌های خاص در مناسبت‌هایی چون ۲۹ اسفند و ۲۸ مرداد ارائه می‌شود. ایشان نهضت ملی شدن نفت را برخاسته از روحیه

استقلال طلبی تمامی آحاد، اقشار و طبقات اجتماعی ایران دانست و لذا دیدگاه‌های آبراهامیان نیز چون از زاویه و نگاهی خاص به این مسئله پرداخته، مورد غفلت و قربانی رویکرد تقلیل‌گرایانه وی قرار گرفته است. بنابراین ارائه دهنده می‌توانست این مسئله و رویکردهای تقلیل‌گرایانه آبراهامیان را بیشتر بشکافد.

- نکته بعدی، اینکه در کتاب ایران بین دو انقلاب مسئله پژوهش به صورت جزئی بر تحولات سیاسی- اجتماعی بیش از یک قرن تاریخ ایران تعمیم داده ده است. در واقع مسئله اصلی آبراهامیان اساساً تحولات سیاسی کل جامعه ایران نبوده و خطای راهبردی که انجام شده اینکه نویسنده جامعه‌شناسی سیاسی حزب توده را انجام داده و دکتر دادفر این نکته را مورد غفلت قرار داده است.

- مسئله دیگر، انتخاب عنوان کتاب است که به عقیده دکتر بهرامی چنین عنوانی جفا در تاریخ ایران است. ایشان عنوان کتاب آبراهامیان را بسیار غیر عالمانه و ژورنالیستی قلمداد کرد. این موضوعی است که ارائه دهنده کرسی می‌بایست آن را مطرح می‌کرد.

- مطلب دیگر، موضوع پیامدهای ملی شدن صنعت نفت است که تا به امروز شاهد آثار و نتایج آن هستیم. به نظر ایشان این مورد نیز از سوی آبراهامیان مورد غفلت قرار گرفته است.

در پاسخ به موارد مطرح شده توسط ناقد، دکتر دادفر به پاسخ برخی از نکات و نظرات و سوالات ایشان پرداختند. ایشان ابتدا نقدی بر صحبت‌های دکتر بهرامی وارد کردند و نقد ایشان درباره عدم پرداختن به موضوع نیروهای اجتماعی را نقدی بر کتاب دانسته‌اند نه اینکه متوجه ایشان باشد. وی اشاره کردند وابستگی آبراهامیان به تاریخ‌نگاری جریان چپ باعث تغییر رویکرد تاریخ‌نگاری رسمی و سیاسی به تاریخ‌نگاری اجتماعی و مردمی شده است. اما نگاه مارکسیستی آبراهامیان متکی به خدمات و اقدامات حزب توده در جریان ملی شدن صنعت نفت است. در واقع ایشان اشکال دکتر بهرامی را متوجه نویسنده کتاب می‌دانند.

پس از آن، برخی از شرکت‌کنندگان در جلسه سؤالاتی را مطرح کرده و ارائه دهنده نیز به پاسخ آنها پرداختند. در پایان مدیر جلسه ضمن جمع‌بندی مطالب، دیدگاه‌ها و نظرات خود را درباره موضوع کرسی علمی- ترویجی بیان کرد.